

تحلیل مسیر اثر خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی در وابستگی عاطفی زوجها

حسین صاحب‌دل^۱، کیانوش زهراکار^۲، علی دلاور^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۵ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۲

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی در وابستگی عاطفی زوجها ساکن شهر تهران انجام شد. **روش:** مطالعه حاضر از نوع همبستگی بود و جامعه آن را کلیه زوجها ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۴ تشکیل می‌دادند، که از بین آنها ۹۵۴ نفر (۴۵۱ زن و ۵۰۳ مرد) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس ازدواج موفق استفاده شد. داده‌های بدست آمده با روش تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بسترهای فرهنگی و خصوصیات شخصیتی، به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق اثرگذاری بر ویژگی‌های ارتباطی) بر وابستگی عاطفی زوجها تاثیر معنادار دارند ($p < 0.05$). همچنین ویژگی‌های ارتباطی به طور مستقیم بر وابستگی عاطفی تاثیر معنادار دارد ($p < 0.01$). **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد که وابستگی عاطفی بین زوجها از عوامل گوناگون، فردی، تعاملی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند با شناسایی زمینه‌های ایجاد وابستگی عاطفی در زوجها، در زمینه مشاوره ازدواج و غنی‌سازی روابط عاطفی آنها، راهگشای مشاوران و روانشناسان باشد.

کلید واژه‌ها: خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی، بسترهای فرهنگی، وابستگی عاطفی.

- نویسنده مسئول). گروه علوم تربیتی، واحد قاینات، دانشگاه آزاد اسلامی، قاینات، ایران. pcsahebdel1365@gmail.com
- استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران.
- استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده از ابتدای حیات بشر همواره با او همراه بوده است (لوما^۱، ۲۰۰۱). به بیان واضح‌تر، اگر ازدواج نبود، نسل بشر نمی‌توانست ادامه داشته باشد (جیمز و ویلسون^۲، ۲۰۰۲). از مدت‌ها قبل، محققان و نویسندگان، ازدواج را نوعی ارتباط عاطفی می‌دانستند که از قوانین اجتماعی و فرهنگی خاص هر جامعه تبعیت می‌کند (کارول^۳، ۲۰۱۲). ازدواج و تشکیل خانواده بدون در نظر گرفتن کیفیت و فرآیند آن، هدفی مهم برای بسیاری از انسان‌ها تلقی می‌شود. تقریباً می‌توان گفت، هر انسانی در مسیر زندگی خود بناچار با انتخاب همسر و برقراری روابط زناشویی پایدار با جنس مخالف روبرو خواهد شد (تورنتون، آکسون و اکسی^۴، ۲۰۰۷). با این وجود، هر ازدواجی نمی‌تواند نیازها و خواسته‌های اعضای خود را تامین نماید (جیمز و ویلسون، ۲۰۰۲). در بسیاری مواقع ممکن است یک ازدواج با شکست روبرو شود و زوج‌ها، پس از تحمل سختی‌های فراوان، با یاس و ناامیدی به قطع رابطه تن دهند (هالند^۵، ۲۰۰۴). مفهوم ازدواج موفق زمانی معنی پیدا می‌کند که زوج‌ها به اهداف خود از ازدواج رسیده باشند. اهدافی از قبیل ارضای نیازهای روحی و جسمی، تشکیل نهاد پایدار و باثبات خانواده، روابط باثبات و رضایت بخش و در نهایت دستیابی به حس خوشبختی (رابین^۶، ۲۰۰۲). زوج‌های موفق عاشقانه یکدیگر را دوست دارند و از وابستگی عاطفی^۷ عمیق و قابل توجهی نسبت به یکدیگر برخوردارند. اساس شیدایی اوایل ازدواج به مرور می‌تواند به عشقی بالغانه تبدیل شود. زن می‌تواند از گفتن «دوستت دارم» و شوهر از شنیدن آن لذت ببرند، زیرا محبت و جذابیت متقابل، دریافت صمیمیت، وفاداری، اعتماد و دوستی به هم گره خورده، عشق قوی‌تر و

1. Lumma, V

2. Jamse, A, I & Wilson, K

3. Khaerul, U, N

4. Thornton, A axinn, G & xie, U

5. Holland, S

6. Rabin, C

7. Emotional belonging

عمیق تری را پایه گذاری می‌کند (بک^۱، ۱۹۸۸، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۷۸). زوج‌های موفق عشق خود را از همدیگر دریغ نمی‌کنند. آنها هم آمیختگی عاطفی مطلوبی بایکدیگر داشته و هرزمان تلاش می‌کنند عشق و علاقه خود را در روابط صمیمانه و نزدیک با همسر به اثبات برسانند (جیمز و ویلسون، ۲۰۰۲). زوج‌های موفق همیشه نگران و مراقب یکدیگر بوده و منتظر فرصتی هستند تا به همسرشان نشان دهند که عاشق او هستند. آنها از بودن در کنار یکدیگر لذت می‌برند و از ابراز عشق احساس خرسندی می‌نمایند. این عشق و تعلق عاطفی می‌تواند سلامت روان و روحیه شاد را در آنها تضمین نماید (واردل^۲، ۲۰۱۱). بدون شک، داشتن ازدواج شاد و برخورداری از حمایت و مراقبت عاطفی فضای زندگی افراد را به فضای سالم تبدیل نموده و در نهایت می‌تواند بر سلامت جامعه و ثبات و دوام نهاد خانواده تاثیر مثبت داشته باشد (فقیرپور، ۱۳۸۳). اینک، سوالی که مطرح می‌شود، این است که چه عواملی و تحت چه شرایطی وابستگی عاطفی بین زوج‌ها را تعمیق بخشیده و سلامت و رضایتمندی زناشویی را پایه ریزی می‌نمایند؟

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که عوامل گوناگون، تعاملی، فردی و فرهنگی می‌تواند بر میزان عشق و تعلق عاطفی زوج‌ها اثرگذار باشد. در زمینه عوامل تعاملی، بسیاری از کسانی که با زوج‌ها کار می‌کنند، معتقدند، فرایندهای تعاملی و روابط دوسویه بین زوج‌ها، به میزان زیادی تعیین کننده عملکرد مناسب و سلامت زوجی بوده و رضایتمندی از رابطه را پیش بینی می‌کند. در واقع می‌توان گفت، ازدواج موفق به میزان زیادی تحت تاثیر کیفیت تعاملات زوج قرار دارد (رابین، ۲۰۰۲؛ جان^۳، ۲۰۰۷). زوج‌هایی که دچار اختلاف می‌شوند، سطح پایین تری از تعاملات را از خود نشان داده و الگوهای تعاملی نامناسبی را دنبال می‌کنند. این افراد معمولاً با ناتوانی، گوشه گیری و عواطف منفی وارد رابطه شده و خطر اختلاف و طلاق در آنها زیاد است (ایرانی، ۱۳۸۳). در این

1. Beck, A, T
2. Wardle, L, D
3. John, E

مورد، نقش مهارت‌های ارتباطی، فرایندهای حل تعارض، رضایت جنسی، همکاری و عوامل شناختی، بیش از همه مورد توجه صاحب‌نظران و محققین بوده است (گیلبرت، واک و پاسلی^۱؛ رابین، ۲۰۰۲؛ آسوده، خلیلی، دانشپور و لواسانی، ۲۰۱۰؛ فقیرپور، ۱۳۸۳).

ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، نقش مهمی در موفقیت ازدواج و افزایش میزان تعلق خاطر زوج‌ها ایفا می‌کند. در این زمینه، برخی محققان و صاحب‌نظران، بر نقش خصوصیات شخصیتی از قبیل، دلبستگی ایمن، پختگی هیجانی و خوش بینی تاکید کرده‌اند. سبک دلبستگی زوج‌ها، نقش مهم و اساسی در روابط بین فردی آنها ایفا می‌کند. دلبستگی عبارت است از پیوند هیجانی دوفرد که نحوه رابطه آنها را تعیین می‌کند. سبک‌های دلبستگی را می‌توان به صورت الگوهای تفکر، احساس و رفتارهای شخصی در رابطه نزدیک با مراقب، شریک عاطفی و دیگر افراد صمیمی تعریف کرد (بوتوناری، رابرتس، کلی، کاشدان و سیسلا^۲، ۲۰۰۷). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد، دلبستگی ایمن، می‌تواند تعلق و وابستگی عاطفی زوج‌ها را عمیق‌تر سازد (گالو و اسمیت^۳، ۲۰۰۱؛ جلالی تبار، ۱۳۸۵؛ مظاهری، ۱۳۷۹). از طرفی، هیجانانگیز بودن نقش مهم و اساسی در زندگی زوج‌ها ایفا می‌کنند. زوج‌هایی که قادرند، هیجانانگیز خود را شناسایی کرده و از نحوه کنترل و بروز آنها در مواقع مناسب آگاهند، روابط زناشویی رضایت‌بخشی را تجربه خواهند کرد (کردوا و وارن^۴، ۲۰۰۵). پختگی هیجانی، به معنای شناسایی، کنترل و کاربرد مناسب هیجانانگیز می‌باشد. برخورداری از پختگی هیجانی، از بروز بسیاری مشکلات که می‌تواند، پیامد منفی بروز کنترل نشده هیجانانگیز باشد، جلوگیری می‌کند. شواهد پژوهشی، نشان می‌دهد، زوج‌های موفق، از توانایی کنترل، و بروز به موقع

1. Guilbert, D.E, Vacc, N.A & Pasley, K

2. Bottonari, K.A, Roberts, J.E, Kelly, M.A, Kashdan, T.B & Ciesla, J.A

3. Gallo, L.C & Smith, T.W

4. Cordova, J.V & Warren, L.Z

هیجان‌ات خود برخوردارند (آلستین^۱، ۲۰۰۲؛ تیرگری، اصغرنژاد، بیان زاده و عابدین، ۱۳۸۵؛ رحمانی و قیصری پور، ۱۳۸۵). در مورد خوش بینی، شواهد پژوهشی از این فرض که، زوج‌های موفق افرادی خوش بین هستند، حمایت می‌کند (کانوی، کارول، اسپرینگر، ساموئل و جونز^۲، ۲۰۰۸؛ گیلهام^۳، ۲۰۰۰). همچنین، بسیاری از پژوهشگران معتقدند، برخورداری از برخی ویژگی‌های شخصیتی، نظیر باورهای سالم، خودآگاهی، منبع کنترل درونی، عزت نفس، وظیفه شناسی و خوش رویی، می‌تواند زمینه مهمی برای رضایت زناشویی و وابستگی عاطفی زوج‌ها فراهم نماید (نالن و گیرگس^۴، ۱۹۹۴؛ هاروویتز، روزنبرگ، بیر، اورنو و ویلاسنور^۵، ۱۹۸۸؛ جانسون و جانسون^۶، ۲۰۰۰؛ شفتی، ۱۳۷۸).

علاوه بر عوامل فردی و تعاملی، آنچه که در ادبیات نظری و عملی، پژوهش قابل توجه است، تاثیر ساختار فرهنگی و بافت اجتماعی می‌باشد. بدیهی است که شکل‌گیری یک ازدواج موفق، نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی بدور باشد. فرهنگ از جمله مهمترین عواملی است که بر فرایندها و پیامدهای روابط زناشویی تاثیر می‌گذارد. ارزشها، باورها و هنجارهای فرهنگی، علاوه بر اینکه دیدگاه افراد نسبت به خودشان را شکل می‌دهند، دیدگاه آنها به صمیمیت، عشق و روابط نزدیک را جهت می‌بخشد. فرهنگ بومی ایران، با تاثیرپذیری از تفکر اسلامی، ازدواج را یک وظیفه شرعی می‌داند. در چنین فرهنگی، نهاد خانواده، از جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده و تعهد به روابط زناشویی، مورد تاکید زیاد قرار گرفته است. فرهنگ ایرانی-اسلامی، برای پدیده ازدواج، ارزش زیادی قایل است، و آن را پیوندی مقدس می‌داند. همچنین، معنویت، انسان دوستی، قناعت و پرورش فضیلت‌های اخلاقی، برای یک فرد ایرانی، به منزله، نزدیک شدن به خدا و کمال، تلقی می‌شود. جمع‌گرایی، احترام به خانواده و اعضای فامیل و کمک به

1. Alestine, G.T, V

2. Conway, F., Carol, M, B, Springer, C, A, Samuel, C & Jones, B

3. Gilham, J

4. Nolen, S & Girus, J, S

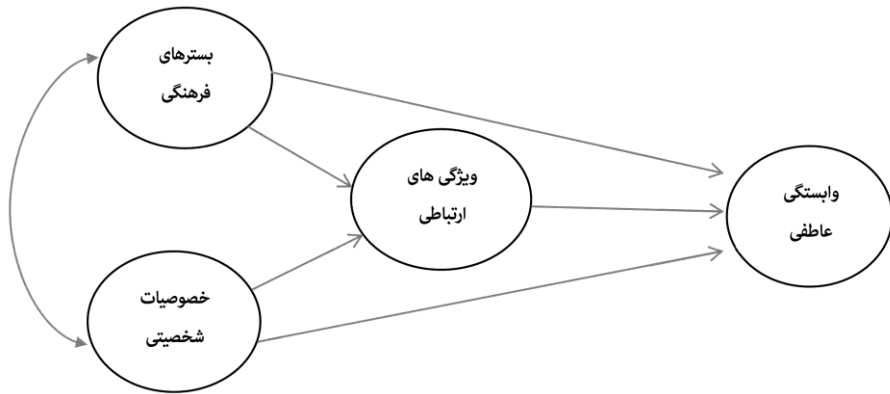
5. Horowitz, L, M, Rosenberg, S, E, Baer, B, A, Ureno, G & Villasenor, V, S

6. Johnson, O & Johnson, R

دیگران، از جمله ارزش‌هایی است که در ساختار فرهنگ ایران نهادینه شده است (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷؛ مشکینی، ۱۳۵۹). همه این موارد و همچنین، حجاب و پابندی به همسر، می‌تواند به دوام و ثبات زندگی یک ایرانی، و ایجاد دوام عشق کمک نماید (حسین زاده، ۱۳۸۹). همچنین، شواهد پژوهشی بر نقش مذهب و پابندی به امور معنوی و فضایل اخلاقی، در افزایش سازگاری زناشویی و تعمیق وابستگی عاطفی، صحه گذاشته‌اند (جیمز و ویلسون، ۲۰۰۲؛ کیگین^۱، ۲۰۰۵؛ لهر^۲، ۲۰۰۶؛ فنل^۳، ۲۰۰۷؛ کریمی ثانی، اسماعیلی، فلسفی نژاد، شفیع آبادی، فرحبخش و احیایی، ۱۳۸۹).

در جمع بندی شواهد نظری و پژوهشی ذکر شده می‌توان گفت، میزان عشق و وابستگی عاطفی بین زوج‌ها از عوامل گوناگونی تاثیر پذیر بوده و کیفیت روابط عاطفی به طور پیچیده‌ای تحت تاثیر متغیرهای گوناگون قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، وابستگی عاطفی زوج‌ها از عوامل شخصیتی و فرهنگی تاثیر پذیر بوده و در این میان، عامل ویژگی‌های ارتباطی نقش واسطه را ایفا می‌نماید. مطالعات پژوهشگر نشان می‌دهد، که تاکنون هیچ پژوهشی در ایران و در خارج از ایران، عوامل ذکر شده را در کنار یکدیگر قرار نداده است و کیفیت اثرگذاری این متغیرها بر یکدیگر کمابیش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در شکل ۱، مدل نظری استخراج شده از پیشینه نظری و عملی پژوهش نمایش داده شده است. مسیرهای تعیین شده بین متغیرها، براساس شواهد نظری و پژوهشی ذکر شده مفروض شده است.

1. Kigin, M
2. Lehrer, D
3. Fennel, D, L



شکل ۱. مدل نظری استخراج شده از روابط متغیرها

مدل ارائه شده، که بر مبنای شواهد عملی و نظری قرار دارد، نشان می‌دهد، بسترهای فرهنگی و خصوصیات شخصیتی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر وابستگی عاطفی اثرگذار است. همچنین ویژگی‌های ارتباطی با تاثیرپذیری از این دو عامل، می‌تواند تاثیر مستقیم بر وابستگی عاطفی داشته باشد. اینک، سوالی که مطرح می‌شود این است که، آیا مدل نظری ارائه شده، توسط داده‌های جمع‌آوری شده، تایید می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده و جامعه پژوهش عبارت بود از کلیه زوج‌های ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۴. به منظور انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب شهر تهران به پنج ناحیه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده و در هر منطقه به صورت تصادفی شش خیابان انتخاب شد. از هر خیابان به طور تصادفی چهار کوچه انتخاب شده و از هر کوچه به صورت تصادفی ۱۵ خانه انتخاب شد. در نهایت پرسشنامه‌ها در افراد انتخاب شده (در هر خانه فقط یکی اعضای زوج می‌توانستند پرسشنامه را پاسخ دهند) اجرا گردید. در پژوهش‌های

مربوط به تحلیل مسیر، معمولا حجم نمونه به ازای هر متغیر بین ۱۰ تا ۳۰ نفر پیشنهاد شده است. برخی پژوهشگران نیز تعداد ۵۰۰ نفر را کافی می‌دانند (هومن، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر، حجم نمونه ۹۵۴ (۵۰۳ مرد و ۴۵۱ زن) نفر انتخاب شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس ازدواج موفق ایرانی استفاده شده است. این مقیاس برای اولین بار در ایران توسط صاحب‌دل (۱۳۹۴) طراحی شده و روی زوج‌های شهر تهران اعتباریابی شده است. این مقیاس ۷۵ گویه دارد که چهار خرده مقیاس کلی را در برمی‌گیرد. این خرده مقیاس‌ها عبارتند از ۱. ویژگی‌های ارتباطی، ۳۱ گویه (شامل تفاهم؛ تشویق رفتارهای سالم؛ رضایت جنسی؛ مهارت‌های ارتباطی؛ باورهای ارتباطی سالم؛ حل تعارض؛ حفظ استقلال خانواده و همکاری). ۲. خصوصیات شخصیتی، ۲۱ گویه (شامل خودآگاهی، اعتماد به نفس، پختگی هیجانی، دلبستگی ایمن و خوش بینی). ۳. بسترهای فرهنگی، ۱۴ گویه (شامل فضایل اخلاقی و معنوی؛ پایبندی به هنجارها و تعهد به نهاد خانواده). ۴. وابستگی عاطفی، ۹ گویه (شامل عشق و مراقبت عاطفی). پاسخ همه سوالات پرسشنامه ازدواج موفق به صورت کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم می‌باشد. پاسخ‌ها در طیف لیکرت از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌شود. در پژوهش صاحب‌دل (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۴ و ضرایب پایایی هریک از خرده مقیاس‌های وابستگی عاطفی، خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی به ترتیب ۰/۹۴؛ ۰/۹۳؛ ۰/۸۷ و ۰/۸۹ گزارش شده است. همچنین روایی همزمان این مقیاس با مقیاس‌های سازگاری زناشویی اسپانیرو شاخص رضایت زناشویی در حد مطلوب گزارش شده است (صاحب‌دل، ۱۳۹۴). پاسخ همه سوالات پرسشنامه ازدواج موفق به صورت کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم می‌باشد. پاسخ‌ها در طیف لیکرت از ۱ تا ۵ نمره

گذاری می‌شود.

یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی در وابستگی عاطفی زوج‌های ساکن شهر تهران انجام شد. بدین منظور، مقیاس ازدواج موفق روی ۹۵۴ نفر به صورت تصادفی اجرا شده و نتایج حاصل، با استفاده از نرم افزار AMOS و با روش تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت. مشخصات جمعیت شناختی اعضای گروه نمونه و نتایج حاصل از تحلیل مسیر در ادامه تشریح شده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی گروه نمونه

تحصیلات								میانگین سنی	گروه نمونه		جنسیت
بالا ترازیسانس		لیسانس		دیپلم تا لیسانس		زیردیپلم			درصد	فراوانی	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی				
۱۱/۱	۵۰	۴۱/۵	۱۸۷	۳۲/۲	۱۴۵	۱۵/۳	۶۹	۳۸/۴۹	۴۷/۳	۴۵۱	زن
۱۲/۷	۶۴	۴۱/۷	۲۱۰	۳۱/۲	۱۵۷	۱۴/۳	۷۲	۳۹/۳۴	۵۲/۷	۵۰۳	مرد
۱۱/۹۴	۱۱۴	۴۱/۶۱	۳۹۷	۳۱/۶۵	۳۰۲	۱۳/۷۷	۱۴۱	۳۸/۹	./۱۰۰	۹۵۴	کل

به منظور سنجش و ارزیابی مدل ارائه شده از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. علت استفاده از این روش، آسان بودن، قابل اطمینان بودن و کاربرد گسترده آن در حوزه‌های پژوهش علوم انسانی می‌باشد. روش تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب رگرسیونی، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را روی یکدیگر مورد ارزیابی قرار داده و روابط علی زیربنایی آن را شناسایی نماید (هومن، ۱۳۸۵). ابتدا نمرات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرها و ضرایب همبستگی

بین آنها محاسبه گردید.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرها برای مدل تحلیل مسیر

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های ارتباطی	۱۱۶/۸۱	۲۰/۸
خصوصیات شخصیتی	۸۱/۵۷	۱۰/۹۷
بسترهای فرهنگی	۵۸/۶۲	۸/۲۰
وابستگی عاطفی	۳۷/۳۱	۵/۵۵

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، عامل ویژگی‌های ارتباطی بدلیل دارا بودن گویه‌های بیشتر، بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است. همچنین عامل خصوصیات شخصیتی، بسترهای فرهنگی و وابستگی عاطفی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین متغیرها برای مدل تحلیل مسیر

متغیرها	ویژگی‌های ارتباطی	خصوصیات شخصیتی	بسترهای فرهنگی	وابستگی عاطفی
ویژگی‌های ارتباطی	-	-	-	-
خصوصیات شخصیتی	*۰/۴۲	-	-	-
بسترهای فرهنگی	*۰/۴۰	*۰/۵۷	-	-
وابستگی عاطفی	*۰/۶۰	*۰/۵۲	*۰/۵۰	-

*P<0.01

جدول ۳، نشان می‌دهد که عامل‌ها همبستگی بالا و معناداری با یکدیگر دارند. در این میان، همبستگی بین ویژگی‌های ارتباطی و وابستگی عاطفی (۰/۶۰) بالاترین مقدار را به خود اختصاص داده است. و کمترین مقدار همبستگی به عامل بسترهای فرهنگی و عامل ویژگی‌های ارتباطی (۰/۴۰) مربوط می‌شود.

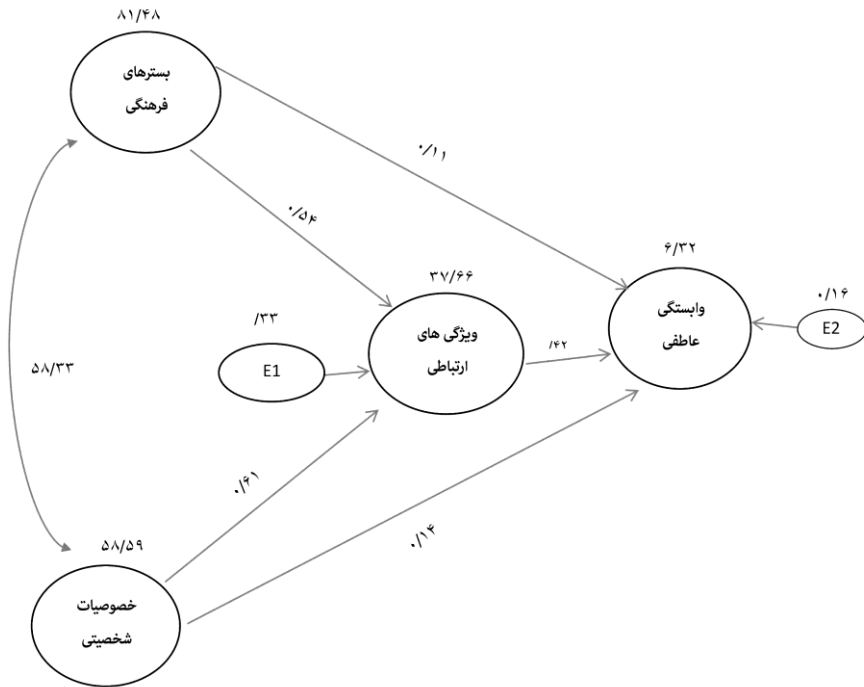
محاسبه مقدار مجذور کای (۱/۹۶، P<0/16) نشان می‌دهد که مدل مورد نظر از

برازندگی بسیاری خوبی برخوردار است. معنادار نبودن مجذور کای نشان دهنده برازش مطلوب است (هومن، ۱۳۸۵). سایر شاخص‌های برازش نیز در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل ازدواج موفق

شاخص‌ها	NFI	TLI	CFI	IFI	RMSEA
مقادیر برازش	۰/۹۹۸	۰/۹۹۵	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	۰/۰۳۲

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقادیر شاخص‌های برازش بالاتر از ۰/۹ بوده و مقدار RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. این امر نشان دهنده برازش بسیار خوب برای مدل است (هومن، ۱۳۸۵). در ادامه، مدل مفهومی ارائه شده با استفاده از نرم افزار AMOS مورد ارزیابی قرار گرفت و مدل استخراج شده از نرم افزار، به همراه ضرایب مسیر در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲: مدل تحلیل مسیر استخراج شده از داده‌ها

جدول ۵: ضرایب مسیر استاندارد شده بین متغیرها برای مدل تحلیل مسیر

متغیرها	نوع تاثیر	وابستگی عاطفی	بسترهای فرهنگی	خصوصیات شخصیتی	ویژگی‌های ارتباطی
ویژگی‌های ارتباطی	تاثیر مستقیم	* $0/42$	-	-	-
	تاثیر غیر مستقیم	-	-	-	-
	کل	* $0/42$	-	-	-
خصوصیات شخصیتی	تاثیر مستقیم	* $0/22$	-	-	* $0/29$
	تاثیر غیرمستقیم	** $0/12$	-	-	-

متغیرها	نوع تاثیر	وابستگی عاطفی	بسترهای فرهنگی	خصوصیات شخصی	ویژگی‌های ارتباطی
	کل	*. / ۳۴	-	-	*. / ۲۹
بسترهای فرهنگی	تاثیر مستقیم	*. / ۲۱	-	-	*. / ۲۴
	تاثیر غیرمستقیم	** . / ۱۰	-	-	-
	کل	*. / ۳۱	-	-	*. / ۲۴

**P<0.05 *P<0.01

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، عامل ویژگی‌های ارتباطی دارای ضریب تاثیر مستقیم ۰/۴۲ روی عامل وابستگی عاطفی بوده و عامل خصوصیات شخصیتی نیز به صورت مستقیم (۰/۲۲) و غیرمستقیم (۰/۱۲) بر عامل وابستگی عاطفی تاثیر دارد. همچنین این عامل به صورت مستقیم (۰/۲۹) بر عامل ویژگی‌های ارتباطی تاثیر می‌گذارد. عامل بسترهای فرهنگی نیز به صورت مستقیم (۰/۲۱) و غیرمستقیم (۰/۱۰) بر عامل وابستگی عاطفی تاثیرگذار است. عامل بسترهای فرهنگی همچنین، به صورت مستقیم (۰/۲۴) بر عامل ویژگی‌های ارتباطی تاثیر می‌گذارد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که بسترهای فرهنگی و خصوصیات شخصیتی می‌توانند به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق تاثیرگذاری روی ویژگی‌های ارتباطی) بر وابستگی عاطفی بین زوجها تاثیرگذار باشند. همچنین ویژگی‌های ارتباطی زوجها نقش مهم و قابل توجهی در وابستگی عاطفی بین آنها ایفا می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل مسیر، نشان داد که بسترهای فرهنگی و خصوصیات شخصیتی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر وابستگی عاطفی و خصوصیات ارتباطی اثر بگذارد. همچنین بسترهای فرهنگی و خصوصیات شخصیتی از طریق

خصوصیات ارتباطی تاثیر معناداری بر وابستگی عاطفی داشتند. نتایج حاصل از این پژوهش تا حدودی با نتایج پژوهش‌های قبلی همخوانی دارد (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۰؛ جانسون و جانسون، ۲۰۰۰؛ رایین، ۲۰۰۲؛ کردوا و وارن، ۲۰۰۵؛ لهر، ۲۰۰۶؛ فنل، ۲۰۰۷؛ آسوده و همکاران، ۲۰۱۰؛ فقیرپور، ۱۳۸۳؛ شفتی، ۱۳۷۸؛ کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حسین زاده، ۱۳۸۹).

در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان از شواهد نظری و تجربی بهره گرفت. در رابطه با تاثیر خصوصیات شخصیتی بر کیفیت ارتباط و همچنین تعلق عاطفی زوج‌ها می‌توان گفت: شخصیت، عامل تعیین کننده و اساسی در روابط بین فردی به شمار می‌رود. همچنین، صفات شخصیتی از جمله عوامل تاثیرگذار بر رضایت و سازگاری زناشویی هستند. زوج‌های موفق، افرادی هستند که از صفات شخصیتی مطلوب برخوردار بوده و این خصوصیات، ارتباط عاطفی آنها را بیش از پیش عمیق ترمی سازد (واردل، ۲۰۱۱). در بین ویژگی‌های شخصیتی، خود آگاهی و شناخت خویشتن از اهمیت خاصی برخوردار است. خود آگاهی، یکی از ملزومات سازگاری اجتماعی به شمار می‌رود (هارتر، ۱۹۹۹). آگاهی از افکار، عقاید، و احساسات خود و همچنین شناخت صحیح خویشتن، می‌تواند روابط بین فردی را تنظیم کرده و به سازگاری بهتر کمک کند (واردل، ۲۰۱۱). به عنوان یکی دیگر از خصوصیات شخصیتی، دلبستگی ایمن نیز، نقش مهمی در کیفیت روابط زناشویی و وابستگی عاطفی زوج‌ها ایفا می‌نماید. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن می‌توانند روابط سالم و رضایت بخش با دیگران برقرار کرده و هر لحظه از حس اعتماد برخوردار باشند. روابط سالم نیازمند داشتن حس اعتماد و اطمینان کافی می‌باشد، و افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در این زمینه دچار نقص هستند. دلبستگی ایمن به فرد کمک می‌کند تا بتواند بدون ترس از ترک شدن توسط دیگران، درگیر روابط صمیمانه شود. همچنین این افراد، در روابط خود می‌توانند حس استقلال

کافی داشته و روابط برابر برقرار نمایند، که در آن هیچ کدام از طرفین، دچار صدمه و آسیب نشوند. سبک دلبستگی ایمن به طور قابل توجهی با رضایت زناشویی و ثبات در روابط زوج‌ها در ارتباط است (مارکوس^۱، ۲۰۰۳؛ گالو و اسمیت، ۲۰۰۱). از دیگر خصوصیات شخصیتی، می‌توان به پختگی هیجانی و خوش بینی اشاره کرد. آگاهی از هیجان‌ها و توانایی کنترل هیجان‌ها منفی می‌تواند از بروز بسیاری مشکلات زناشویی جلوگیری نماید. بسیاری از مشکلات زناشویی در اثر بروز نامناسب هیجان‌ها و عدم آگاهی کافی از نقش هیجان‌ها در زندگی ایجاد شده، و حل آنها نیز در بسیاری موارد، به شناخت و آگاهی از این هیجان‌ها بستگی دارد. برخورداری از سطح بالای پختگی هیجانی می‌تواند مشکلات بین فردی را کاهش داده و از این طریق به عمیق تر شدن وابستگی عاطفی زوج‌ها کمک نماید. (کردوا و وارن، ۲۰۰۵؛ آلستین، ۲۰۰۲). از طرفی، خوش بینی، دیگران را به سمت ما جلب می‌کند و حل مشکلات پیش رو را آسان تر می‌سازد. بدون شک، زوج‌های خوش بین، بهتر و راحت تر می‌توانند با مشکلات زندگی مواجه شوند و در مواقع بروز مشکل گام‌های موثرتری را برمی‌دارند. خوش بینی به افراد کمک می‌کند تا تسلیم حوادث نشده و از روحیه مبارزه جویی بیشتری برخوردار باشند. این ویژگی‌ها می‌تواند به ثبات زندگی زناشویی کمک نماید (کانوی و همکاران، ۲۰۰۸؛ گیلهام، ۲۰۰۰).

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، عامل بسترهای فرهنگی نیز، نقش مهمی در کیفیت روابط زوج‌ها و وابستگی عاطفی بین آنها ایفا می‌کند. در رابطه با عامل بسترهای فرهنگی می‌توان گفت: فرهنگ کشور ما، دارای خصوصیات جمع‌گرایی بوده که در آن، خصایصی از قبیل گذشت، فداکاری و ایثار برای دیگران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بیش از پیش فضایل اخلاقی، معنویت و قناعت را مورد تاکید قرار داده و از فردگرایی و صفات خودخواهانه دوری

می‌جوید. در چنین فرهنگی، تحت لوای آیین اسلام، نهاد خانواده، از قداست خاصی برخوردار بوده و تعهد به روابط زناشویی و حفظ حریم زناشویی به شدت مورد تاکید قرار گرفته است (محلوجی، ۱۳۷۱). پایبندی به ارزش‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی می‌تواند عامل مهمی در ثبات و دوام روابط زناشویی باشد (مشکینی، ۱۳۵۹). از جمله عوامل فرهنگی، که نقش مهمی در کیفیت روابط زناشویی و افزایش عشق و صمیمیت زوج‌ها دارد، می‌توان به فضایل اخلاقی و تعهد به نهاد خانواده اشاره کرد. مسلماً، زوج‌ها ترجیح می‌دهند همسری داشته باشند که به اصول انسانی پایبند بوده و اخلاقیات را رعایت نماید. بسیاری از مشکلات زوج‌ها زمانی پدیدار می‌شود، که یکی یا هر دوی آنها اصول اخلاقی را زیر پا گذاشته‌اند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد، مذهبی بودن و رعایت اصول اخلاقی نقش قابل توجهی در پایداری و ثبات ازدواج دارد (لهر، ۲۰۰۶؛ مشکینی، ۱۳۵۹).

نتایج پژوهش حاضر، همچنین نشان داد که ویژگی‌های ارتباطی زوج‌ها، نقش مستقیم و معناداری در وابستگی عاطفی آنها دارد. در این زمینه می‌توان گفت: ویژگی‌هایی از قبیل رضایت جنسی، مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض، باورهای ارتباطی سالم، همکاری، تشویق رفتارهای سالم و حفظ استقلال خانواده، نقش مهمی در زندگی زوج‌ها ایفا می‌نماید. عشق و صمیمیت، به صورت خودکار به وجود نمی‌آید و زوج‌ها برای رسیدن به سطح مطلوب صمیمیت، باید برای یکدیگر سرمایه‌گذاری نمایند. زوج‌هایی که به نیازهای همدیگر اهمیت می‌دهند و حمایت موثری را از یکدیگر به عمل می‌آورند، می‌توانند خوشبختی بیشتری را تجربه نمایند. اگر زوج‌ها بتوانند مهارت‌های ارتباطی را در خود پرورش دهند و در امور مختلف زندگی، یار و مشوق یکدیگر باشند، عشق بین آنها افزایش خواهد یافت. بدون شک، در کنار انجام این رفتارهای مطلوب است، که زوج‌ها می‌توانند غنی‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین روابط جنسی را تجربه نمایند و احساس لذت و شادابی از بودن با یکدیگر داشته باشند. برخورداری از مهارت‌های حل تعارض و داشتن باورهای ارتباطی سالم، می‌تواند مبنای عشق و صمیمیت بین زوج‌ها را تحکیم بخشد (رایین، ۲۰۰۲؛ واردل، ۲۰۱۱؛ جان، ۲۰۰۷).

نظریه پردازان معتقدند، زوج‌های موفق نقاط قوت یکدیگر را پرورش داده و نقاط ضعف یکدیگر را به خوبی پوشش می‌دهند. در ازدواج‌های شاد، زن و شوهر نکات رفتاری مطلوب یکدیگر را مورد تاکید قرار می‌دهند و این امر رضایت ارتباطی آنها را افزایش داده و بروز خطاهای رفتاری را کاهش می‌دهد (رایین، ۲۰۰۲؛ فقیرپور، ۱۳۸۳). بنابراین، می‌توان گفت، برخورداری زوج‌ها از خصوصیات و ویژگی‌های ارتباطی سالم، تاثیر مستقیم و قابل توجهی بر عشق و صمیمیت و ایجاد وابستگی عاطفی بین آنها دارد.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل فردی، تعاملی و فرهنگی، می‌تواند نقش مهم و قابل توجهی در میزان وابستگی عاطفی زوج‌ها ایفا نماید. خصوصیات شخصیتی و بسترهای فرهنگی می‌توانند، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر وابستگی عاطفی زوج‌ها اثرگذار باشند. از طرفی، ویژگی‌های ارتباطی مهم ترین عامل تعیین کننده وابستگی عاطفی زوج‌ها بوده که به مراتب تحت تاثیر خصوصیات شخصیتی و بسترهای فرهنگی قرار دارد. این یافته‌ها، کاربردهای نظری و عملی را القاء می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای محققان در جهت تدوین یک نظریه جامع در زمینه ازدواج ایرانی بوده و در سطح عملی می‌تواند کمک شایان توجهی به مشاوره ازدواج و درمان مشکلات زناشویی ارائه دهد. از طرفی نتایج بدست آمده در تدوین محتوای مشاوره پیش از ازدواج مثمر تر خواهد بود. امروزه بسیاری از زوج‌ها نیازمند آن هستند تا از رازهای موفقیت در زندگی زناشویی مطلع گردند. نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه می‌تواند کمک قابل توجهی در تحکیم نهاد ازدواج و خانواده در قالب فرهنگ بومی کشورمان ارائه نماید. پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار است. از جمله، عدم تفکیک طبقات اجتماعی و اقتصادی در گروه نمونه و همچنین عدم تفکیک ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در این مسیر گام موثری بردارند.

منابع

- ایرانی، ن (۱۳۸۳). مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی دانشجویان علوم تحقیقات (دانشکده علوم انسانی). پایان نامه کارشناسی ارشد. چاپ نشده. دانشگاه آزاد: واحد علوم تحقیقات.
- بک، آ. تی (۱۳۷۸). عشق هرگز کافی نیست. ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: نشر پیکان. (بی تا)
- تیرگری، ع؛ اصغرنژاد، ف؛ بیان زاده، ع؛ عابدین، ع (۱۳۸۵). مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال ۱۳۸۳. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جلالی تبار، س (۱۳۸۵). پیش بینی سبک‌های عشق و ورزی بر اساس سبک‌های دلبستگی در کارمندان زن متاهل سازمان بهزیستی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره (چاپ نشده). دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- حسین زاده، ع (۱۳۸۹). نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر. فصلنامه معرفت اخلاقی. ۲. ۱۲۸-۱۱۷.
- رحمانی، م؛ قیصری پور، س (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایتمندی زناشویی در زوجین ۳۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شرفی، م؛ طاهرپور، م (۱۳۸۷). راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان با تاکید بر رویکرد اسلامی. مهندسی فرهنگی. ۱۸. ۴۵-۲۳.
- شفتی، ع (۱۳۷۸). چه کسی می‌خواهد ازدواج کند. خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری ازدواج. اصفهان. دانشگاه آزاد: واحد خوراسگان.
- صاحب‌دل، ح (۱۳۹۴). شناسایی و سنجش شاخص‌های ازدواج موفق. پایان نامه دکتری. چاپ نشده. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- فقیرپور، م (۱۳۸۳). مهارت‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی. سازمان بهزیستی استان گیلان.
- کریمی ثانی، پ؛ اسماعیلی، م؛ فلسفی نژاد، م؛ شفیع آبادی، ع؛ فرحبخش، ک؛ احیایی، ک (۱۳۸۹). تدوین محتوای مشاوره قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت‌های معنوی و اخلاقی پیش بینی کننده ازدواج موفق در بین زوج‌های تبریز. فصلنامه زن و مطالعات خانواده. ۷. ۱۳۲-۱۲۱.
- محلوچی، ح (۱۳۷۱). نهاد خانواده در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- مشکینی، ع (۱۳۵۹). ازدواج در اسلام، قم: انتشارات یاسر.
- مظاهری، م (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. مجله روان‌شناسی. ۴ (۳)، ۳۱۸-۲۸۶.
- هومن، ح (۱۳۸۵). تحلیل‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: انتشارات پیک فرهنگ.

- Alstine, G.T.V. (2002). A review of research about an essential aspects of emotionally focused couple therapy: attachment theory. *Journal of Pastoral Counseling*, 37. 101-118.
- Asoodeh, M.H., Khalili,S.,Daneshpour,M.,& Lavasani,M.GH.(2010). Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples. *Social and behavioral sciences*. 5. 2042-2046.
- Bottonari, K. A., Roberts, J. E., Kelly, M. A. R., Kashdan, T. B., & Ciesla, J. A. (2007). A prospective investigation of the import of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behavior Research and Therapy*.45.179- 188.
- Conway, F.A , Carol, M.B, Springer ,C. A, Samuel, C & Jones, B (2008).*Optimism and pessimism as predictors of physical and psychological health among grandmothers raising their grandchildren*. *Journal of Research in Personality*. 42. 1352–1357.
- Cordova, J.V & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*. 24. 218-235.
- Fennel, D. L. (2007). Characteristics of long – term first marriage. *Journal of mental health counselling*. 15. 445-460.
- Gallo, L.C. & Smith, T.W. (2001). Attachment style in marriage:Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*. 18.174-190.
- Gilham,J (2000). *The Science of optimism and hope*. Philadelphia. PA: Templeton Foundation press.
- Guilbert, D.E. & Vacc, N.A. & Pasley, K.(2000). The relationship of gender beliefs, negativity, distancing, and marital instability. *Journal of the family*.8.124.
- Harter, S. (1999). *The Construction of the Self*. New York : The Guilford Press.
- Holland, S. (2004).*Alternative Femininities: Body, Age, and Identity*. Oxford and New York: Berg.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureno, G. and Villasenor, V. S.(1988). *Inventory of Interpersonal Problems: Psychometric Properties and Clinical Applications*. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 56. 885-892.
- James.A.L&Wilson.K.(2002). *Couples,conflict and change*.Taylor & Francis e-Library.
- John, E. (2007). Why people marry: The many faces of a institution. *Family Law Quarterly*.41(3). 413-431.
- Johnson.O.Johnson.R(2000).*learning together and alone: cooperative competitive,and individualistic learning*. Boston: Allyn and Bacon.
- Khaerul. U. N. (2012). Land, marriage and social exclusion: the case of Madurese exile widow. *Social and Behavioral Sciences*.65.180 – 185.
- Kigin, M. (2005). *At- risk individuals awareness, motivation, roadblocks to participation In premarital interventions and behaviors following completion of*

the relationship. Evaluation-Brigham Young University.

- Lehrer, E. (2006). *Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis*. University of Illinois at Chicago and IZABONN.
- Lumma, V. (2001). Reproductive Investment in Pre-Industrial Humans: The Consequences of Offspring Number, Gender and Survival, *Proceedings. Biological Sciences*, 268. 1977-1983.
- Markus, D. R. (2003). *Addiction, attachment and social support*. PhD dissertation. Chicago school of professional psychology.
- Nolen.S. and Girgus, J. S. (1994). *The Emergence of Gender Differences in Depression During Adolescence*. *Psychological Bulletin*. 115. 242-443.
- Rabin.C(2002).*equal partners: good frinds*.Taylor & Francis e-Library.
- Thornton.A.axinn. G. xie.U.(2007) *Marriage and cohabitation*. The University of Chicago Press.
- Wardle, L. D. (2011). The boundaries of belonging: Allegiance, purpose and the definition of marriage. *BYU Journal of Public Law*. 25(2).287-315